



مسیر معنوی

گزارش هایی خواندنی از سفر به کربلا در **اربعین مهدوی** نوشته عبدالحسین فخاری

انواع خوراکی‌های دیگر مانند خرما، شلغم، کرنی، میوه‌های مختلف، لوازم بهداشتی و داروهای مورد نیاز زائران در نقاط مختلف در کنار جاده و ده‌ها توزیع می‌شود و درمانگاه‌های سیار، در خدمت بیماران است و پول در این روزها معنایی ندارد چون همه اینها رایگان عرضه می‌شد. ایرانی‌ها نیز در بعضی موکب‌ها مشغول خدمت بودند، بعضی از موکب‌ها هم متعلق به خود آنها بود. برای نمونه موکب پزشکی ۳۰۹ تخصص‌های داخلی، چشم، ارتوپدی، اطفال، دندانپزشکی، دارو، تزریقات، پانسمان و... به همت دکترهای ایرانی از جمله دکتر شیخ که دندانپزشک بود و همه تجهیزات را به آنجا برده بود، برپا شده و خدمات پزشکی و دارو را به رایگان و با عشق و اخلاص به زائران ارائه می‌داد که اجرشان با ابعادالله‌الحسین (ع) باد.»



اربعین مهدوی

- نویسنده: **عبدالحسین فخاری**
- انتشارات: **گوی**
- تعداد صفحات: **۱۳۲ صفحه**
- قیمت: **۳۰۰۰۰ تومان**

اربعین آمده است: «اولین چیزی که در پیاده‌روی اربعین به چشم می‌آید، پذیرایی‌های عاشقانه، ایثارگرانه و از صمیم قلب و غیرقابل توصیف عراقی‌ها از زائران اربعین است. صحنه‌های عجیبی که به هیچ عنوان نمی‌توان با نوشته و فیلم و عکس و بیان منعکس کرد. فقط باید رفت و عشق مردم به ساحت مقدس اهل بیت را دید؛ بویژه عشق به سرور و سالار شهیدان حضرت ابعادالله‌الحسین (ع) را لمس کرد. در طول مسیر هشتاد کیلومتری نجف تا کربلا موکب‌ها، در دو طرف جاده، فضای خالی به جا نگذاشته‌اند و در فضای ساختمانی، حسینی و چادر به پذیرایی و خدمت به زائران مشغول‌اند. غیر از چای شیرین و ترش و قهوه و ناهار و شام و صبحانه‌های متنوع،

اجتماعات کم نظیر معنوی

در مسیر پیاده‌روی اربعین، مردم بسیاری از شهرهای مختلف با فرهنگ‌های متفاوتی حضور پیدا می‌کنند و به خاطر یک هدف واحد در کنار هم جمع می‌شوند. اما با این وجود، آن تفاوت‌های زبانی، نژادی، ملیتی و طبقاتی رنگ می‌بازد و میلیون‌ها نفر از سراسر جهان، تنها با یک هویت مشترک یعنی زائر حسین بودن گرد هم جمع می‌شوند. در بخشی از این کتاب درباره حضور مردم مختلف با فرهنگ‌های متفاوت آمده است: «شب بود که همه نزدیک مرز رسیدیم. جمعیت موج می‌زد و چند موکب یا کمپ در خدمت زائرانی بود که از شهرهای مختلف آمده بودند و باید تا فردا که کارهای کنترل‌های مرزی راه می‌افتد، آنجا اتراق کنند. ما هم خدماان را به یکی از آن کمپ‌ها رساندیم و گوشه‌ای جا گرفتیم. شب عجیبی بود. هر چند نفرتی که با هم آمده بودند به زبان محلی خود که ترکی و کردی و لری و عربی و گیلکی و بلوچی و با لهجه‌های شیرازی و مشهدی و اصفهانی و... . محبت می‌کردند. حضور در این چنین ترکیب جمعیتی برایمان تازگی داشت، مردمی از همه فرهنگ‌های ایرانی با نیتی واحد، هدفی واحد و همه مهربان با هم و در کنار هم. مسعود گفت: «این جمع و جمع‌هایی که از این به بعد در عراق خواهیم دید، نمونه‌ای است از اجتماعات کم نظیر معنوی که در دنیا وجود دارد و اشاره کرد به پارچه نوشته‌ای که بر دیوار کمپ نصب شده بود: «حب الحسین یجمعنا» و معنوی بی‌مرز امام حسین (ع) همه ما را دور هم جمع کرده است.»

مروج فرهنگ مهدوی
تمرکز اصلی آثار و فعالیت‌های عبدالحسین فخاری بر ترویج معارف مهدوی، آموزش مفاهیم قرآنی و مباحث پیرامون اقتصاد حلال قرار دارد. او که مدیر مسئول فصلنامه فرهنگی، اجتماعی در نقد بهائیت با عنوان «بهایی‌شناسی» است، آثار متعددی با هدف تبیین فرهنگ مهدوی و سبک زندگی منتظران نوشته است. مجموعه‌هایی مانند «مرزبانی مهدوی» از جمله جلد هشتم آن با عنوان «اخلاق مهدوی» و «زندگی مهدوی» از آثار شناخته‌شده او در این حوزه هستند. این نویسنده مجموعه کتاب‌هایی تحت عنوان «آشنایی با مفاهیم قرآنی» تألیف کرده که تلاش دارد مفاهیم را به زبان آموزشی و کاربردی مثلاً در جلد دوم با تمرکز بر خانواده، اخلاق و دانش ارائه دهد. یکی از موضوعات تخصصی که او پیگیری می‌کند، جایگاه «حلال» در اقتصاد جهانی است. کتاب «نشان حلال و نقش آن در اقتصاد جهانی» از تألیفات او در این زمینه است که به تبیین اهمیت و جایگاه اقتصادی مفهوم حلال می‌پردازد. از دیگر آثار او می‌توان به «داستان زندگی»، «آشنایی با نهج‌البلاغه»، «چگونه بزرگ شویم»، «پرسش‌های مهدوی»، «زندگی با تاریخ»، «باورهای بنیادین- نگاهی نو به اصول اعتقادات»، «معارف مهدوی»، «ملکوت مناجات» و... اشاره کرد.

قله‌ای از شجاعت، صبر و شناخت، سر به آسمان کشیده: دشت نیوا و عصر عاشورا و زنی ایستاده بر پیکرهای پاره پاره. حضرت زینب (س) در میانه آن همه آتش و عطش، سر بریده و تن بی‌سر، هنگامی که به مجلس ابن زیاد کشیده شد، بی‌آنکه شکسته شود، فرمود: ما را زینت الا جمیلا - جز زیبایی چیزی ندیدم. «آیا این جمله، تکرار همان دعای ایوب نیست؟ آیا این نگاه، ادامه همان «هَذَا مِنْ فِضْلِ رَبِّی» سلیمان نیست؟ وقتی زندگی عمیق شود، در متن مصیبت نیز می‌توان جمال دید. در نگاه زینب، مصیبت امتحان نبود؛ فرصت عبودیت بود. صبر زینب نه فقط خویشتنداری، بلکه آگاهی از جایگاه خویش در پیشگاه خدا بود. صبر او «انه اواب» بود در هیأت زنی ایستاده بر نیزه‌ها.»

نازک‌تر از نسیم

در روایتی دیگر، کتاب از تسلیم در برابر خواست خدا و ناامید نشدن از رحمت او می‌گوید. آنجا که امام حسین (ع) در گودال قتلگاه لب به شکایت نکشود و به رضای خدا تسلیم بود. با حضرت زینب (س) با آنکه در یک روز آن همه داغ را به چشم دید، اعتراضی نداشت و از آن واقعه شوم جز به زیبایی یاد نکرد. در این کتاب آمده است: «و اما در عاشورای کربلا، وقتی حسین در گودال افتاده بود، با بدنی پاره پاره، با قلبی غرق مصیبت، نگفت: «چرا من؟»، فقط گفت: «رضا برضاک، تسلیما لاسرک». زینب در شام، در مجلس شوم، گفت: «ما را زینت الا جمیلا»؛ یعنی دعا بی‌صداست، ولی بلندتر از هر خطابه‌ای. سجاد در دل شب، آن گاه که همه خواب بودند، می‌گریست و می‌گفت: «و لا تردنی خائباً من رحمتک - مرا خالی دست و ناامید از رحمت برمگردان» دعا زار است نه عرضه. دعا بندگی است، نه خواسته. دعا نجواست، نه فریاد: و هرچه آدیش بیشتر، آجایش نزدیک‌تر. خوشای آنان که زیانسان نازک‌تر از نسیم می‌شود، وقتی با خدای خود سخن می‌گویند؛ آنان که در دل خفا، ندای خفی دارند.»



نقاشی «سیاه خیمه‌های بی‌پایه» اثر حسن روح الامین

بانوی بزرگواری که تنها یک بازمانده سوگوار و رنج‌کشیده از واقعه سهمگین کربلا نبود؛ او معمار حافظه تاریخی و پیام‌آور بیداری شد. اگر جانفشانی امام حسین (ع) و یارانش، جوهره این حماسه را آفرید، زبان گویا و خطبه‌های بلیغ و روشنگرانه زینب (س) در کوفه و شام بود که دیوارهای حکومت اموی را فرو ریخت. او با تبدیل حادثه به گفتمان، نگذاشت حقیقت عاشورا در ریگزارهای نیوا مدفون و فراموش شود. در این باره کتاب آورده است: «در تاریخ بندگی، صحنه‌ای هست که همچون

گفت: «یاران! داریم می‌رویم به سفر دور دنیا! بیشتر فرهنگ‌ها اونجا میان و ما می‌خواهیم با آنها آشنا بشیم و حرف دلمون رو با اونها در میان بگذاریم. بپایید اگر موافقید اول راه، نیت‌هامان را یکی کنیم؛ من نیت خودم را بلند میگم شما هم اگر دیدید نیت‌تون همینه، بگید، گفتیم: بگو. گفت: سلام بر آقامون امام عصر (عج) که جانم قربانش باد، نیت‌ام اینه که در این سفر اربعین هر فرصتی رو در گفت‌وگو با افراد، به یک فرصت تبلیغی برای ذکر مولایم تبدیل کنم و اگر فرصتی هم پیش نیامد، فرصت‌سازی کنم و اونها رو به سفیران دعای بر فرج مولا تبدیل نمایم تا در قله سفر که زیارت زیر قبه (کنبد) ایا عبدالله (ع) باشه، یک صدا همین آرزو را فریاد کنند و از خدا بخوانند. گفتم: شما همت بلند و قدرتش رو هم داری، اما من توان این هدف والا را ندارم، چه کنم؟ گفت: «توانش رو بهت میدن، یا علی را بگو.»

پذیرایی جانانه از زائران حسینی

عبدالحسین فخاری در بخش دیگری از این کتاب درباره موکب‌های مسیر و پذیرایی جانانه از زائران حسینی می‌گوید. موکب‌هایی که در طول مسیر برپا می‌شوند، فراتر از ایستگاه‌هایی برای استراحت و پذیرایی اند؛ آنها جلوه‌گاه ایثار و میهمان‌نوازی خالصانه‌ای هستند که میزبانان با چشم‌پوشی از اندوخته‌های مادی خود، دارایی‌شان را با افتخار و تمنا به پای زائران می‌ریزند. در بخش دیگری از این کتاب درباره مسیر پیاده‌روی

کتاب
«اربعین مهدوی»
داستان‌ها و گزارش‌هایی خواندنی از سفر به کربلا همزمان با اربعین حسینی است. نویسنده به مناسبت سفر ۱۰ نفره خود و دوستانش را به شکلی داستانی و گزارشی نوشته تا حال و هوای این سفر داشته و برای خود و دوستانش ثبت کرده باشد. او این کتاب را نوشته تا هر بار با خواندن آن، حالات زائد الوصفی در وجودشان زنده شود

تبلیغ مهدویت در راه کربلا

عبدالحسین فخاری به مناسبت اربعین ۱۴۴۳، سفر ۱۰ نفره خود و دوستانش را به شکلی داستانی و گزارشی نوشته تا حال و هوای معنوی که در این سفر داشته و برای خود و دوستانش ثبت کرده باشد. او این کتاب را نوشته تا هر بار با خواندن آن، حالات زائد الوصفی در وجودشان زنده شود و خواننده را هم با خود همراه کند. او و دوستان همراهش سفری متفاوت را رقم زدند، چرا که گزارش‌شان بر این بود از هر فرصتی در این سفر برای تبلیغ آموزه‌ها و ارزش‌های مهدوی استفاده کنند و درس‌هایی که می‌آموختند را بهان کنند یا از دیگران مطالبی بیاموزند و دانش و ایمان خود را تقویت کنند و در واقع این سفر یک مأموریت تبلیغی هم به حساب می‌آید. او ماجرای این قرار را این‌گونه توصیف می‌کند: «وقتی ماشین افتاد توی جاده، مسعود رئیس گروه، رو کرد به همه و

چنین باشکوه، زنده و توقف‌ناپذیر می‌سازد، ارادت عمیق و قلبی زائران به ساحت سیدالشهدا، امام حسین (ع) است. این ارادت و عشق، همان نیروی محرکه عظیمی است که باهای خسته و تاول‌زده را به پیش می‌راند، گرد و غبار راه را به توتیای چشم بدل می‌کند و سختی‌های طاقت‌فرسای مسیر را برای زائران شیرین می‌سازد. زائر اربعین، با هر قدمی که برمی‌دارد، در واقع در حال بازخوانی پیام عاشورا است؛ پیامی از جنس ایستادگی در برابر ظلم، حقیقت‌جویی و فداکاری. در این میان، شنیدن ماجراها و روایت‌های زائران حسینی، همیشه جذابیت خاص خود را دارد؛ کتاب «اربعین مهدوی» نوشته عبدالحسین فخاری که در انتشارات گوی منتشر شده، داستان‌ها و گزارش‌هایی خواندنی و پرجاذبه از یک همبستگی انسانی و معنوی بی‌مرز اربعین حسینی است.

از حماسه عاشورا، جاده‌های منتهی به کربلا با حضور میلیون‌ها زائر به یکی از بی‌نظیرترین و باشکوه‌ترین اجتماعات انسانی در جهان تبدیل می‌شود. سفر اربعین، تنها یک جابه‌جایی فیزیکی در پهنه جغرافیا نیست؛ بلکه سلوکی عارفانه و حرکتی از عمق جان به سوی سرچشمه آزادگی و عشق است. برگزاری این مراسم با این شکوه بی‌بدیل که هر سال بر عظمت و گستردگی آن افزوده می‌شود، تجلیگاه یک همبستگی انسانی و معنوی بی‌مرز است. آنچه این حماسه میلیونی را

سوار بر کشتی نجات

لب پنجره نشسته بود دعوتی است به سرچشمه‌های معنویت



لب پنجره نشسته بود

- نویسنده: **مصطفی شاهرضایی**
- انتشارات: **نیستان هنر**
- تعداد صفحات: **۹۵ صفحه**
- قیمت: **۹۵۰۰۰۰ تومان**

با ایمان، امید، عدالت و بازگشت به خویشتن دارد؟ اما پیش از آنکه پاسخی به پرسش‌های ذهنی انسان باشد، دعوت به تماشا است. نویسنده نمی‌خواهد مخاطب را قانع کند، بلکه می‌خواهد او را کنار خود، لب همان پنجره بنشاند تا جهان را از دریچه‌ای معنوی دوباره ببیند. نویسنده در این اثر از شخصیت‌هایی همچون حضرت زینب (س)، حضرت ایوب، حضرت سلیمان و حربین یزید ریاحی نام می‌برد و از الگوهای قرآنی برای طرح مفاهیم سبر، قدرت، آزمون و بازگشت بهره می‌گیرد.

در هیاهوی دنیای مدرن

مخاطب حین خوانش «لب پنجره نشسته بود» نوشته مصطفی شاهرضایی که انتشارات نیستان هنر منتشر کرده، از همان لب‌هایی است که با زبانی تازه انسان را به سرچشمه‌های معنویت دعوت می‌کند. این اثر، فقط تفسیری کلاسیک از قرآن کریم یا مجموعه‌ای از دلنوشته‌ها نیست، بلکه متنی تأملی، نیازمند زبانی متناسب با دنیای جدید است؛ زبانی که بتواند میان سنت‌های اصیل و نیازهای نوپدید انسان امروز، پلی استوار برقرار کند. این زبان تازه، همان شیوه‌ای است که باید در ادبیات و اندیشه معاصر متولد شود. کتاب «لب پنجره نشسته بود» نوشته مصطفی شاهرضایی که انتشارات نیستان هنر از منتشر کرده، از همان لب‌هایی است که با زبانی تازه انسان را به سرچشمه‌های معنویت دعوت می‌کند. این اثر، فقط تفسیری کلاسیک از قرآن کریم یا مجموعه‌ای از دلنوشته‌ها نیست، بلکه متنی تأملی، نیازمند زبانی متناسب با دنیای جدید است؛ زبانی که بتواند میان سنت‌های اصیل و نیازهای نوپدید انسان امروز، پلی استوار برقرار کند. این زبان تازه، همان شیوه‌ای است که باید در ادبیات و اندیشه معاصر متولد شود. کتاب «لب پنجره نشسته بود» نوشته مصطفی شاهرضایی که انتشارات نیستان هنر از منتشر کرده، از همان لب‌هایی است که با زبانی تازه انسان را به سرچشمه‌های معنویت دعوت می‌کند. این اثر، فقط تفسیری کلاسیک از قرآن کریم یا مجموعه‌ای از دلنوشته‌ها نیست، بلکه متنی تأملی، نیازمند زبانی متناسب با دنیای جدید است؛ زبانی که بتواند میان سنت‌های اصیل و نیازهای نوپدید انسان امروز، پلی استوار برقرار کند. این زبان تازه، همان شیوه‌ای است که باید در ادبیات و اندیشه معاصر متولد شود. کتاب «لب پنجره نشسته بود» نوشته مصطفی شاهرضایی که انتشارات نیستان هنر از منتشر کرده، از همان لب‌هایی است که با زبانی تازه انسان را به سرچشمه‌های معنویت دعوت می‌کند. این اثر، فقط تفسیری کلاسیک از قرآن کریم یا مجموعه‌ای از دلنوشته‌ها نیست، بلکه متنی تأملی، نیازمند زبانی متناسب با دنیای جدید است؛ زبانی که بتواند میان سنت‌های اصیل و نیازهای نوپدید انسان امروز، پلی استوار برقرار کند. این زبان تازه، همان شیوه‌ای است که باید در ادبیات و اندیشه معاصر متولد شود. کتاب «لب پنجره نشسته بود» نوشته مصطفی شاهرضایی که انتشارات نیستان هنر از منتشر کرده، از همان لب‌هایی است که با زبانی تازه انسان را به سرچشمه‌های معنویت دعوت می‌کند. این اثر، فقط تفسیری کلاسیک از قرآن کریم یا مجموعه‌ای از دلنوشته‌ها نیست، بلکه متنی تأملی، نیازمند زبانی متناسب با دنیای جدید است؛ زبانی که بتواند میان سنت‌های اصیل و نیازهای نوپدید انسان امروز، پلی استوار برقرار کند. این زبان تازه، همان شیوه‌ای است که باید در ادبیات و اندیشه معاصر متولد شود. کتاب «لب پنجره نشسته بود» نوشته مصطفی شاهرضایی که انتشارات نیستان هنر از منتشر کرده، از همان لب‌هایی است که با زبانی تازه انسان را به سرچشمه‌های معنویت دعوت می‌کند. این اثر، فقط تفسیری کلاسیک از قرآن کریم یا مجموعه‌ای از دلنوشته‌ها نیست، بلکه متنی تأملی، نیازمند زبانی متناسب با دنیای جدید است؛ زبانی که بتواند میان سنت‌های اصیل و نیازهای نوپدید انسان امروز، پلی استوار برقرار کند. این زبان تازه، همان شیوه‌ای است که باید در ادبیات و اندیشه معاصر متولد شود. کتاب «لب پنجره نشسته بود» نوشته مصطفی شاهرضایی که انتشارات نیستان هنر از منتشر کرده، از همان لب‌هایی است که با زبانی تازه انسان را به سرچشمه‌های معنویت دعوت می‌کند. این اثر، فقط تفسیری کلاسیک از قرآن کریم یا مجموعه‌ای از دلنوشته‌ها نیست، بلکه متنی تأملی، نیازمند زبانی متناسب با دنیای جدید است؛ زبانی که بتواند میان سنت‌های اصیل و نیازهای نوپدید انسان امروز، پلی استوار برقرار کند. این زبان تازه، همان شیوه‌ای است که باید در ادبیات و اندیشه معاصر متولد شود. کتاب «لب پنجره نشسته بود» نوشته مصطفی شاهرضایی که انتشارات نیستان هنر از منتشر کرده، از همان لب‌هایی است که با زبانی تازه انسان را به سرچشمه‌های معنویت دعوت می‌کند. این اثر، فقط تفسیری کلاسیک از قرآن کریم یا مجموعه‌ای از دلنوشته‌ها نیست، بلکه متنی تأملی، نیازمند زبانی متناسب با دنیای جدید است؛ زبانی که بتواند میان سنت‌های اصیل و نیازهای نوپدید انسان امروز، پلی استوار برقرار کند. این زبان تازه، همان شیوه‌ای است که باید در ادبیات و اندیشه معاصر متولد شود. کتاب «لب پنجره نشسته بود» نوشته مصطفی شاهرضایی که انتشارات نیستان هنر از منتشر کرده، از همان لب‌هایی است که با زبانی تازه انسان را به سرچشمه‌های معنویت دعوت می‌کند. این اثر، فقط تفسیری کلاسیک از قرآن کریم یا مجموعه‌ای از دلنوشته‌ها نیست، بلکه متنی تأملی، نیازمند زبانی متناسب با دنیای جدید است؛ زبانی که بتواند میان سنت‌های اصیل و نیازهای نوپدید انسان امروز، پلی استوار برقرار کند. این زبان تازه، همان شیوه‌ای است که باید در ادبیات و اندیشه معاصر متولد شود. کتاب «لب پنجره نشسته بود» نوشته مصطفی شاهرضایی که انتشارات نیستان هنر از منتشر کرده، از همان لب‌هایی است که با زبانی تازه انسان را به سرچشمه‌های معنویت دعوت می‌کند. این اثر، فقط تفسیری کلاسیک از قرآن کریم یا مجموعه‌ای از دلنوشته‌ها نیست، بلکه متنی تأملی، نیازمند زبانی متناسب با دنیای جدید است؛ زبانی که بتواند میان سنت‌های اصیل و نیازهای نوپدید انسان امروز، پلی استوار برقرار کند. این زبان تازه، همان شیوه‌ای است که باید در ادبیات و اندیشه معاصر متولد شود. کتاب «لب پنجره نشسته بود» نوشته مصطفی شاهرضایی که انتشارات نیستان هنر از منتشر کرده، از همان لب‌هایی است که با زبانی تازه انسان را به سرچشمه‌های معنویت دعوت می‌کند. این اثر، فقط تفسیری کلاسیک از قرآن کریم یا مجموعه‌ای از دلنوشته‌ها نیست، بلکه متنی تأملی، نیازمند زبانی متناسب با دنیای جدید است؛ زبانی که بتواند میان سنت‌های اصیل و نیازهای نوپدید انسان امروز، پلی استوار برقرار کند. این زبان تازه، همان شیوه‌ای است که باید در ادبیات و اندیشه معاصر متولد شود. کتاب «لب پنجره نشسته بود» نوشته مصطفی شاهرضایی که انتشارات نیستان هنر از منتشر کرده، از همان لب‌هایی است که با زبانی تازه انسان را به سرچشمه‌های معنویت دعوت می‌کند. این اثر، فقط تفسیری کلاسیک از قرآن کریم یا مجموعه‌ای از دلنوشته‌ها نیست، بلکه متنی تأملی، نیازمند زبانی متناسب با دنیای جدید است؛ زبانی که بتواند میان سنت‌های اصیل و نیازهای نوپدید انسان امروز، پلی استوار برقرار کند. این زبان تازه، همان شیوه‌ای است که باید در ادبیات و اندیشه معاصر متولد شود. کتاب «لب پنجره نشسته بود» نوشته مصطفی شاهرضایی که انتشارات نیستان هنر از منتشر کرده، از همان لب‌هایی است که با زبانی تازه انسان را به سرچشمه‌های معنویت دعوت می‌کند. این اثر، فقط تفسیری کلاسیک از قرآن کریم یا مجموعه‌ای از دلنوشته‌ها نیست، بلکه متنی تأملی، نیازمند زبانی متناسب با دنیای جدید است؛ زبانی که بتواند میان سنت‌های اصیل و نیازهای نوپدید انسان امروز، پلی استوار برقرار کند. این زبان تازه، همان شیوه‌ای است که باید در ادبیات و اندیشه معاصر متولد شود. کتاب «لب پنجره نشسته بود» نوشته مصطفی شاهرضایی که انتشارات نیستان هنر از منتشر کرده، از همان لب‌هایی است که با زبانی تازه انسان را به سرچشمه‌های معنویت دعوت می‌کند. این اثر، فقط تفسیری کلاسیک از قرآن کریم یا مجموعه‌ای از دلنوشته‌ها نیست، بلکه متنی تأملی، نیازمند زبانی متناسب با دنیای جدید است؛ زبانی که بتواند میان سنت‌های اصیل و نیازهای نوپدید انسان امروز، پلی استوار برقرار کند. این زبان تازه، همان شیوه‌ای است که باید در ادبیات و اندیشه معاصر متولد شود. کتاب «لب پنجره نشسته بود» نوشته مصطفی شاهرضایی که انتشارات نیستان هنر از منتشر کرده، از همان لب‌هایی است که با زبانی تازه انسان را به سرچشمه‌های معنویت دعوت می‌کند. این اثر، فقط تفسیری کلاسیک از قرآن کریم یا مجموعه‌ای از دلنوشته‌ها نیست، بلکه متنی تأملی، نیازمند زبانی متناسب با دنیای جدید است؛ زبانی که بتواند میان سنت‌های اصیل و نیازهای نوپدید انسان امروز، پلی استوار برقرار کند. این زبان تازه، همان شیوه‌ای است که باید در ادبیات و اندیشه معاصر متولد شود. کتاب «لب پنجره نشسته بود» نوشته مصطفی شاهرضایی که انتشارات نیستان هنر از منتشر کرده، از همان لب‌هایی است که با زبانی تازه انسان را به سرچشمه‌های معنویت دعوت می‌کند. این اثر، فقط تفسیری کلاسیک از قرآن کریم یا مجموعه‌ای از دلنوشته‌ها نیست، بلکه متنی تأملی، نیازمند زبانی متناسب با دنیای جدید است؛ زبانی که بتواند میان سنت‌های اصیل و نیازهای نوپدید انسان امروز، پلی استوار برقرار کند. این زبان تازه، همان شیوه‌ای است که باید در ادبیات و اندیشه معاصر متولد شود. کتاب «لب پنجره نشسته بود» نوشته مصطفی شاهرضایی که انتشارات نیستان هنر از منتشر کرده، از همان لب‌هایی است که با زبانی تازه انسان را به سرچشمه‌های معنویت دعوت می‌کند. این اثر، فقط تفسیری کلاسیک از قرآن کریم یا مجموعه‌ای از دلنوشته‌ها نیست، بلکه متنی تأملی، نیازمند زبانی متناسب با دنیای جدید است؛ زبانی که بتواند میان سنت‌های اصیل و نیازهای نوپدید انسان امروز، پلی استوار برقرار کند. این زبان تازه، همان شیوه‌ای است که باید در ادبیات و اندیشه معاصر متولد شود. کتاب «لب پنجره نشسته بود» نوشته مصطفی شاهرضایی که انتشارات نیستان هنر از منتشر کرده، از همان لب‌هایی است که با زبانی تازه انسان را به سرچشمه‌های معنویت دعوت می‌کند. این اثر، فقط تفسیری کلاسیک از قرآن کریم یا مجموعه‌ای از دلنوشته‌ها نیست، بلکه متنی تأملی، نیازمند زبانی متناسب با دنیای جدید است؛ زبانی که بتواند میان سنت‌های اصیل و نیازهای نوپدید انسان امروز، پلی استوار برقرار کند. این زبان تازه، همان شیوه‌ای است که باید در ادبیات و اندیشه معاصر متولد شود. کتاب «لب پنجره نشسته بود» نوشته مصطفی شاهرضایی که انتشارات نیستان هنر از منتشر کرده، از همان لب‌هایی است که با زبانی تازه انسان را به سرچشمه‌های معنویت دعوت می‌کند. این اثر، فقط تفسیری کلاسیک از قرآن کریم یا مجموعه‌ای از دلنوشته‌ها نیست، بلکه متنی تأملی، نیازمند زبانی متناسب با دنیای جدید است؛ زبانی که بتواند میان سنت‌های اصیل و نیازهای نوپدید انسان امروز، پلی استوار برقرار کند. این زبان تازه، همان شیوه‌ای است که باید در ادبیات و اندیشه معاصر متولد شود. کتاب «لب پنجره نشسته بود» نوشته مصطفی شاهرضایی که انتشارات نیستان هنر از منتشر کرده، از همان لب‌هایی است که با زبانی تازه انسان را به سرچشمه‌های معنویت دعوت می‌کند. این اثر، فقط تفسیری کلاسیک از قرآن کریم یا مجموعه‌ای از دلنوشته‌ها نیست، بلکه متنی تأملی، نیازمند زبانی متناسب با دنیای جدید است؛ زبانی که بتواند میان سنت‌های اصیل و نیازهای نوپدید انسان امروز، پلی استوار برقرار کند. این زبان تازه، همان شیوه‌ای است که باید در ادبیات و اندیشه معاصر متولد شود. کتاب «لب پنجره نشسته بود» نوشته مصطفی شاهرضایی که انتشارات نیستان هنر از منتشر کرده، از همان لب‌هایی است که با زبانی تازه انسان را به سرچشمه‌های معنویت دعوت می‌کند. این اثر، فقط تفسیری کلاسیک از قرآن کریم یا مجموعه‌ای از دلنوشته‌ها نیست، بلکه متنی تأملی، نیازمند زبانی متناسب با دنیای جدید است؛ زبانی که بتواند میان سنت‌های اصیل و نیازهای نوپدید انسان امروز، پلی استوار برقرار کند. این زبان تازه، همان شیوه‌ای است که باید در ادبیات و اندیشه معاصر متولد شود. کتاب «لب پنجره نشسته بود» نوشته مصطفی شاهرضایی که انتشارات نیستان هنر از منتشر کرده، از همان لب‌هایی است که با زبانی تازه انسان را به سرچشمه‌های معنویت دعوت می‌کند. این اثر، فقط تفسیری کلاسیک از قرآن کریم یا مجموعه‌ای از دلنوشته‌ها نیست، بلکه متنی تأملی، نیازمند زبانی متناسب با دنیای جدید است؛ زبانی که بتواند میان سنت‌های اصیل و نیازهای نوپدید انسان امروز، پلی استوار برقرار کند. این زبان تازه، همان شیوه‌ای است که باید در ادبیات و اندیشه معاصر متولد شود. کتاب «لب پنجره نشسته بود» نوشته مصطفی شاهرضایی که انتشارات نیستان هنر از منتشر کرده، از همان لب‌هایی است که با زبانی تازه انسان را به سرچشمه‌های معنویت دعوت می‌کند. این اثر، فقط تفسیری کلاسیک از قرآن کریم یا مجموعه‌ای از دلنوشته‌ها نیست، بلکه متنی تأملی، نیازمند زبانی متناسب با دنیای جدید است؛ زبانی که بتواند میان سنت‌های اصیل و نیازهای نوپدید انسان امروز، پلی استوار برقرار کند. این زبان تازه، همان شیوه‌ای است که باید در ادبیات و اندیشه معاصر متولد شود. کتاب «لب پنجره نشسته بود» نوشته مصطفی شاهرضایی که انتشارات نیستان هنر از منتشر کرده، از همان لب‌هایی است که با زبانی تازه انسان را به سرچشمه‌های معنویت دعوت می‌کند. این اثر، فقط تفسیری کلاسیک از قرآن کریم یا مجموعه‌ای از دلنوشته‌ها نیست، بلکه متنی تأملی، نیازمند زبانی متناسب با دنیای جدید است؛ زبانی که بتواند میان سنت‌های اصیل و نیازهای نوپدید انسان امروز، پلی استوار برقرار کند. این زبان تازه، همان شیوه‌ای است که باید در ادبیات و اندیشه معاصر متولد شود. کتاب «لب پنجره نشسته بود» نوشته مصطفی شاهرضایی که انتشارات نیستان هنر از منتشر کرده، از همان لب‌هایی است که با زبانی تازه انسان را به سرچشمه‌های معنویت دعوت می‌کند. این اثر، فقط تفسیری کلاسیک از قرآن کریم یا مجموعه‌ای از دلنوشته‌ها نیست، بلکه متنی تأملی، نیازمند زبانی متناسب با دنیای جدید است؛ زبانی که بتواند میان سنت‌های اصیل و نیازهای نوپدید انسان امروز، پلی استوار برقرار کند. این زبان تازه، همان شیوه‌ای است که باید در ادبیات و اندیشه معاصر متولد شود. کتاب «لب پنجره نشسته بود» نوشته مصطفی شاهرضایی که انتشارات نیستان هنر از منتشر کرده، از همان لب‌هایی است که با زبانی تازه انسان را به سرچشمه‌های معنویت دعوت می‌کند. این اثر، فقط تفسیری کلاسیک از قرآن کریم یا مجموعه‌ای از دلنوشته‌ها نیست، بلکه متنی تأملی، نیازمند زبانی متناسب با دنیای جدید است؛ زبانی که بتواند میان سنت‌های اصیل و نیازهای نوپدید انسان امروز، پلی استوار برقرار کند. این زبان تازه، همان شیوه‌ای است که باید در ادبیات و اندیشه معاصر متولد شود. کتاب «لب پنجره نشسته بود» نوشته مصطفی شاهرضایی که انتشارات نیستان هنر از منتشر کرده، از همان لب‌هایی است که با زبانی تازه انسان را به سرچشمه‌های معنویت دعوت می‌کند. این اثر، فقط تفسیری کلاسیک از قرآن کریم یا مجموعه‌ای از دلنوشته‌ها نیست، بلکه متنی تأملی، نیازمند زبانی متناسب با دنیای جدید است؛ زبانی که بتواند میان سنت‌های اصیل و نیازهای نوپدید انسان امروز، پلی استوار برقرار کند. این زبان تازه، همان شیوه‌ای است که باید در ادبیات و اندیشه معاصر متولد شود. کتاب «لب پنجره نشسته بود» نوشته مصطفی شاهرضایی که انتشارات نیستان هنر از منتشر کرده، از همان لب‌هایی است که با زبانی تازه انسان را به سرچشمه‌های معنویت دعوت می‌کند. این اثر، فقط تفسیری کلاسیک از قرآن کریم یا مجموعه‌ای از دلنوشته‌ها نیست، بلکه متنی تأملی، نیازمند زبانی متناسب با دنیای جدید است؛ زبانی که بتواند میان سنت‌های اصیل و نیازهای نوپدید انسان امروز، پلی استوار برقرار کند. این زبان تازه، همان شیوه‌ای است که باید در ادبیات و اندیشه معاصر متولد شود. کتاب «لب پنجره نشسته بود» نوشته مصطفی شاهرضایی که انتشارات نیستان هنر از منتشر کرده، از همان لب‌هایی است که با زبانی تازه انسان را به سرچشمه‌های معنویت دعوت می‌کند. این اثر، فقط تفسیری کلاسیک از قرآن کریم یا مجموعه‌ای از دلنوشته‌ها نیست، بلکه متنی تأملی، نیازمند زبانی متناسب با دنیای جدید است؛ زبانی که بتواند میان سنت‌های اصیل و نیازهای نوپدید انسان امروز، پلی استوار برقرار کند. این زبان تازه، همان شیوه‌ای است که باید در ادبیات و اندیشه معاصر متولد شود. کتاب «لب پنجره نشسته بود» نوشته مصطفی شاهرضایی که انتشارات نیستان هنر از منتشر کرده، از همان لب‌هایی است که با زبانی تازه انسان را به سرچشمه‌های معنویت دعوت می‌کند. این اثر، فقط تفسیری کلاسیک از قرآن کریم یا مجموعه‌ای از دلنوشته‌ها نیست، بلکه متنی تأملی، نیازمند زبانی متناسب با دنیای جدید است؛ زبانی که بتواند میان سنت‌های اصیل و نیازهای نوپدید انسان امروز، پلی استوار برقرار کند. این زبان تازه، همان شیوه‌ای است که باید در ادبیات و اندیشه معاصر متولد شود. کتاب «لب پنجره نشسته بود» نوشته مصطفی شاهرضایی که انتشارات نیستان هنر از منتشر کرده، از همان لب‌هایی است که با زبانی تازه انسان را به سرچشمه‌های معنویت دعوت می‌کند. این اثر، فقط تفسیری کلاسیک از قرآن کریم یا مجموعه‌ای از دلنوشته‌ها نیست، بلکه متنی تأملی، نیازمند زبانی متناسب با دنیای جدید است؛ زبانی که بتواند میان سنت‌های اصیل و نیازهای نوپدید انسان امروز، پلی استوار برقرار کند. این زبان تازه، همان شیوه‌ای است که باید در ادبیات و اندیشه معاصر متولد شود. کتاب «لب پنجره نشسته بود» نوشته مصطفی شاهرضایی که انتشارات نیستان هنر از منتشر کرده، از همان لب‌هایی است که با زبانی تازه انسان را به سرچشمه‌های معنویت دعوت می‌کند. این اثر، فقط تفسیری کلاسیک از قرآن کریم یا مجموعه‌ای از دلنوشته‌ها نیست، بلکه متنی تأملی، نیازمند زبانی متناسب با دنیای جدید است؛ زبانی که بتواند میان سنت‌های اصیل و نیازهای نوپدید انسان امروز، پلی استوار برقرار کند. این زبان تازه، همان شیوه‌ای است که باید در ادبیات و اندیشه معاصر متولد شود. کتاب «لب پنجره نشسته بود» نوشته مصطفی شاهرضایی که انتشارات نیستان هنر از منتشر کرده، از همان لب‌هایی است که با زبانی تازه انسان را به سرچشمه‌های معنویت دعوت می‌کند. این اثر، فقط تفسیری کلاسیک از قرآن کریم یا مجموعه‌ای از دلنوشته‌ها نیست، بلکه متنی تأملی، نیازمند زبانی متناسب با دنیای جدید است؛ زبانی که بتواند میان سنت‌های اصیل و نیازهای نوپدید انسان امروز، پلی استوار برقرار کند. این زبان تازه، همان شیوه‌ای است که باید در ادبیات و اندیشه معاصر متولد شود. کتاب «لب پنجره نشسته بود» نوشته مصطفی شاهرضایی که انتشارات نیستان هنر از منتشر کرده، از همان لب‌هایی است که با زبانی تازه انسان را به سرچشمه‌های معنویت دعوت می‌کند. این اثر، فقط تفسیری کلاسیک از قرآن کریم یا مجموعه‌ای از دلنوشته‌ها نیست، بلکه متنی تأملی، نیازمند زبانی متناسب با دنیای جدید است؛ زبانی که بتواند میان سنت‌های اصیل و نیازهای نوپدید انسان امروز، پلی استوار برقرار کند. این زبان تازه، همان شیوه‌ای است که باید در ادبیات و اندیشه معاصر متولد شود. کتاب «لب پنجره نشسته بود» نوشته مصطفی شاهرضایی که انتشارات نیستان هنر از منتشر کرده، از همان لب‌هایی است که با زبانی تازه انسان را به سرچشمه‌های معنویت دعوت می‌کند. این اثر، فقط تفسیری کلاسیک از قرآن کریم یا مجموعه‌ای از دلنوشته‌ها نیست، بلکه متنی تأملی، نیازمند زبانی متناسب با دنیای جدید است؛ زبانی که بتواند میان سنت‌های اصیل و نیازهای نوپدید انسان امروز، پلی استوار برقرار کند. این زبان تازه، همان شیوه‌ای است که باید در ادبیات و اندیشه معاصر متولد شود. کتاب «لب پنجره نشسته بود» نوشته مصطفی شاهرضایی که انتشارات نیستان هنر از منتشر کرده، از همان لب‌هایی است که با زبانی تازه انسان را به سرچشمه‌های معنویت دعوت می‌کند. این اثر، فقط تفسیری کلاسیک از قرآن کریم یا مجموعه‌ای از دلنوشته‌ها نیست، بلکه متنی تأملی، نیازمند زبانی متناسب با دنیای جدید است؛ زبانی که بتواند میان سنت‌های اصیل و نیازهای نوپدید انسان امروز، پلی استوار برقرار کند. این زبان تازه، همان شیوه‌ای است که باید در ادبیات و اندیشه معاصر متولد شود. کتاب «لب پنجره نشسته بود» نوشته مصطفی شاهرضایی که انتشارات نیستان هنر از منتشر کرده، از همان لب‌هایی است که با زبانی تازه انسان را به سرچشمه‌های معنویت دعوت می‌کند. این اثر، فقط تفسیری کلاسیک از قرآن کریم یا مجموعه‌ای از دلنوشته‌ها نیست، بلکه متنی تأملی، نیازمند زبانی متناسب با دنیای جدید است؛ زبانی که بتواند میان سنت‌های اصیل و نیازهای نوپدید انسان امروز، پلی استوار برقرار کند. این زبان تازه، همان شیوه‌ای است که باید در ادبیات و اندیشه معاصر متولد شود. کتاب «لب پنجره نشسته بود» نوشته مصطفی شاهرضایی که انتشارات نیستان هنر از منتشر کرده، از همان لب‌هایی است که با زبانی تازه انسان را به سرچشمه‌های معنویت دعوت می‌کند. این اثر، فقط تفسیری کلاسیک از قرآن کریم یا مجموعه‌ای از دلنوشته‌ها نیست، بلکه متنی تأملی، نیازمند زبانی متناسب با دنیای جدید است؛ زبانی که بتواند میان سنت‌های اصیل و نیازهای نوپدید انسان امروز، پلی استوار برقرار کند. این زبان تازه، همان شیوه‌ای است که باید در ادبیات و اندیشه معاصر متولد شود. کتاب «لب پنجره نشسته بود» نوشته مصطفی شاهرضایی که انتشارات نیستان هنر از منتشر کرده، از همان لب‌هایی است که با زبانی تازه انسان را به سرچشمه‌های معنویت دعوت می‌کند. این اثر، فقط تفسیری کلاسیک از قرآن کریم یا مجموعه‌ای از دلنوشته‌ها نیست، بلکه متنی تأملی، نیازمند زبانی متناسب با دنیای جدید است؛ زبانی که بتواند میان سنت‌های اصیل و نیازهای نوپدید انسان امروز، پلی استوار برقرار کند. این زبان تازه، همان شیوه‌ای است که باید در ادبیات و اندیشه معاصر متولد شود. کتاب «لب پنجره نشسته بود» نوشته مصطفی شاهرضایی که انتشارات نیستان هنر از منتشر کرده، از همان لب‌هایی است که با زبانی تازه انسان را به سرچشمه‌های معنویت دعوت می‌کند. این اثر، فقط تفسیری کلاسیک از قرآن کریم یا مجموعه‌ای از دلنوشته‌ها نیست، بلکه متنی تأملی، نیازمند زبانی متناسب با دنیای جدید است؛ زبانی که بتواند میان سنت‌های اصیل و نیازهای نوپدید انسان امروز، پلی استوار برقرار کند. این زبان تازه، همان شیوه‌ای است که باید در ادبیات و اندیشه معاصر متولد شود. کتاب «لب پنجره نشسته بود» نوشته مصطفی شاهرضایی که انتشارات نیستان هنر از منتشر کرده، از همان لب‌هایی است که با زبانی تازه انسان را به سرچشمه‌های معنویت دعوت می‌کند. این اثر، فقط تفسیری کلاسیک از قرآن کریم یا مجموعه‌ای از دلنوشته‌ها نیست، بلکه متنی تأملی، نیازمند زبانی متناسب با دنیای جدید است؛ زبانی که بتواند میان سنت‌های اصیل و نیازهای نوپدید انسان امروز، پلی استوار برقرار کند. این زبان تازه، همان شیوه‌ای است که باید در ادبیات و اندیشه معاصر متولد شود. کتاب «لب پنجره نشسته بود» نوشته مصطفی شاهرضایی که انتشارات نیستان هنر از منتشر کرده، از همان لب‌هایی است که با زبانی تازه انسان را به سرچشمه‌های معنویت دعوت می‌کند. این اثر، فقط تفسیری کلاسیک از قرآن کریم یا مجموعه‌ای از دلنوشته‌ها نیست، بلکه متنی تأملی، نیازمند زبانی متناسب با دنیای جدید است؛ زبانی که بتواند میان سنت‌های اصیل و نیازهای نوپدید انسان امروز، پلی استوار برقرار کند. این زبان تازه، همان شیوه‌ای است که باید در ادبیات و اندیشه معاصر متولد شود. کتاب «لب پنجره نشسته بود» نوشته مصطفی شاهرضایی که انتشارات نیستان هنر از منتشر کرده، از همان لب‌هایی است که با زبانی تازه انسان را به سرچشمه‌های معنویت دعوت می‌کند. این اثر، فقط تفسیری کلاسیک از قرآن کریم یا مجموعه‌ای از دلنوشته‌ها نیست، بلکه متنی تأملی، نیازمند زبانی متناسب با دنیای جدید است؛ زبانی که بتواند میان سنت‌های اصیل و نیازهای نوپدید انسان امروز، پلی استوار برقرار کند. این زبان تازه، همان شیوه‌ای است که باید در ادبیات و اندیشه معاصر متولد شود. کتاب «لب پنجره نشسته بود» نوشته مصطفی شاهر